

دیپلماسی عمومی ایران در قبال همسایگان شمالی

سرویس قفقاز/خبرگزاری آران

رضا حجت شماری - ایراس

خبرگزاری آران / سرویس قفقاز :

اشاره: به رغم تلاش های مجدانه سال های اخیر کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا برای پیشبرد پروژه ایران هراسی در عرصه ها و حوزه های مختلف به ویژه حوزه پیرامونی ایران، این سیاست موفقیت چندانی نداشته و در مقابل مقامات کشورمان سازوکارهای مختلفی را برای تحکیم دوستی و گسترش روابط با کشورهای همسایه در دستور قرار داده اند. در این میان، نرم شدن مرزها از جمله از طریق تسهیل در امر رفت و آمد در مرزهای ایران با کشورهای همسایه، سیاستی است که از چندی پیش به صورت جدی تری مورد توجه تهران قرار گرفته که از جمله آنها می توان به حذف نظام روایدید میان ایران با برخی کشورهای قفقاز جنوبی اشاره کرد. هرچند در برخی محافل در خصوص منافع عینی این اقدام ایراد تردید می شود، اما به حتم گسترش این گونه اقدامات می تواند در تحکیم دوستی با کشورهای همسایه به نحو قابل ملاحظه ای مؤثر باشد.

مقدمه
با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و برآورد هزینه و فایده تخریب های ایجاد شده از مقدمات و جنگ های 1914 و 1945 که عموماً از سوی غرب به خصوص اروپا انجام شد، نظام بین الملل کم کم به سوی راهکارهایی برای گریز از ویرانی جنگ ها پیش رفت. اگر چه آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب قدرت جهان همواره براساس رویکرد واقع گرایانه رودروری یکدیگر قرار گرفتند، اما اروپا به عنوان مبدع مدرنیته و مدرنیسم و همچنین آغازگر جنگ های ویرانگری که مجموعاً چند ده میلیون انسان را روانه قبرستان ها کرد، راه دیگری را برگزید که اگر چه پیروی از آمریکای واقع نگر را به عنوان راهبر خود برگزیده بود اما همواره به سمت لیبرالیسم و ایده ایسم پیش می رفت تا اینکه از مجموعه کشورهای در این جغرافیا یک «اتحادیه» ساخت تا شاید قرن ها بعد دوباره به همه تنورسین ها نشان بدهد که همانگونه که قرن ها پیش دموکراسی و مدرنیته را به انسان عرضه کرد این بار با انتخاب اندیشه ایده ایسم و گریز از نظریه های واقع گرایان عرصه بین الملل، روش دیگری را ارائه داده که در آن جنگ کمتر رخ می دهد و انسان ها راحت تر با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. حذف و نرم شدن مرزهای جغرافیایی، آشنایی و آمیختگی فرهنگ های مختلف و ... از جمله دست آوردهای این اندیشه بوده است.

فوائد نرم شدن مرزها
با تمرین این روش اروپا که کم کم به اتحادیه اروپا تغییر نام داده بود به همه آموخت که کم شدن فاصله ها، نرم شدن مرزها، عبور و مرور بی دغدغه شهروندان در خاک کشورهای دیگر و امنیت دسته جمعی یعنی چه؟ بر همین اساس بود که مطالعات دانشگاهی در عرصه بین الملل خرد شد و بسیاری را برانگیخت به مطالعات اروپا و کم کم مطالعات منطقه ای بردارند. چشم انداز مناسبی که این منطقه جغرافیایی چه به لحاظ سیاسی و چه لحاظ های اقتصادی، فرهنگی، فنی و ... به همه ارائه داد دیگر مردم و مناطق را برانگیخت که از آن الگو بگیرند و در تعامل با همسایگان، مرزهای جغرافیایی خود را کمرنگ کنند.

این تاثیرگذاری را می توان در شرق و جنوب شرق آسیا، آمریکای لاتین و حتی خاورمیانه همیشه بحران زده مشاهده کرد که گام به گام در حال باز کردن مرزهای خود هستند. تسهیل روایدید و حذف ویزا برای عبور و مرور شهروندان به کشورهای یکدیگر از اولین گام هایی است که در نقاط مختلف جهان در حال انجام است. چنین رفت و آمدهایی که منجر به آشنایی و شناخت ملت ها از یکدیگر می شود از موثرترین گام هایی است که می تواند کار دولت ها را در ایجاد ارتباط متقابل تسهیل کند. چنین منطری می تواند تاثیرات بسیاری در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... ایجاد کند. تاسیس نهادهای مختلف بین المللی و شرکت های عریض و طویل اقتصادی که بر اساس تئوری ایده ایسم و اندیشه بازار آزاد عمل می کنند، نقش بزرگی در این باره بازی می کنند.

شرایط کم کردن فاصله ها
به نظر می آید برای اینکه کشور یا کشورهایی بتوانند با تسهیل روایدید، حذف ویزا و برداشتن هر گونه موانع سخت بین یکدیگر گام های بلندی را زمینه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و همچنین امنیتی بردارند نیازمند مهیا بودن شرایط بین المللی، منطقه ای و ملی هستند.

1. سطح بین الملل: در این سطح بازیگران بزرگ نقش موثری در ثبات یا بی ثباتی ملی و منطقه ای دارند. آسیای مرکزی و قفقاز همانند خاورمیانه از جمله مناطق پر افت و خیز و بحران ساز است. نوع نگاه روسیه و آمریکا به منطقه و منافع هر یک در کشورهای مختلف این منطقه کمتر اجازه می دهد که بحران ها به اندازه ای فرو بنشینند که ملت ها با هماهنگی دولت ها به ارتباط مسالمت آمیز بیندیشند. مسائل پیش آمده بین روسیه و گرجستان در قفقاز جنوبی و همچنین تضاد منافع واشنگتن و مسکو در قرقیزستان در آسیای مرکزی که این کشور را هر روز با یک بحران مواجه می کند تنها نمونه هایی از دخالت بازیگران بین المللی در بحران سازی و فرصت سازی برای خود در منطقه است. در این زمینه نباید نقش اروپا، چین و دیگر کشورهای پیرامون را نادیده گرفت که اگر چه کمتر به بحران سازی دست می زنند اما تاثیرات غیرقابل انکاری در منطقه دارند که ممکن است معادلات منطقه ای را در مقایسه با بازی های بین المللی به هم بریزد. به عنوان نمونه می توان انتقال منابع گازی کشورهای مختلف آسیای مرکزی و قفقاز را از سوی چین نام برد که با کمرنگ کردن چشم انداز انتقال گاز منطقه به لوله های پروژه ناباکو از امنیت اروپا در برابر روسیه می کاهد. مسئله ای استراتژیکی که توان آمریکا را برای رویارویی با روسیه کاهش می دهد.

2. سطح منطقه: در سطح منطقه ای نیز نباید فراموش کرد که تاریخ گذشته و فرهنگ به جا مانده از آن باعث شده تا کشورهای حاضر در منطقه عموماً با یکدیگر مشکلات بنیادینی داشته باشند. اختلافات ریشه ای بین آذربایجان و ارمنستان بر سر مسئله قره باغ در قفقاز و اختلاف بر سر تامین آب مورد نیاز بین ازبکستان و تاجیکستان در آسیای مرکزی از جمله آنها است. چگونگی چینش قومیت ها در این منطقه که عموماً در دوره شوروی سابق انجام شده است از دیگر اختلافات منطقه ای است که براحتی قابل حل و فصل نیست.

3. سطح ملی: بیشتر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سطح ملی نیز با مشکلاتی مواجه هستند که آینده منطقه گرابی و همگرایی را در این محدوده جغرافیایی کم امید جلوه می دهد. اختلافات سیاسی بر سر رفتن به سمت غرب (آمریکا) یا ماندن سر سفره شرق (روسیه) هنوز نخبگان این کشورها را رها نکرده است. همین مسئله باعث شده که گاهی با استفاده از نخبگان غرب گرا به دام انقلاب های رنگی بیفتند و گاهی نخبگان روس گرا با استفاده از ناتوانی دولت های متمایل به غرب فرمان سیاست را به سمت روسیه بچرخانند. از این رو می توان گفت کمتر رویکرد مستقلی در این کشورها دیده می شود. از سویی دیگر اختلافات قومی در میان مردمی که نام هموطن دارند مشکلات بسیاری برای دولت مرکزی ایجاد می کند که از توانایی و اراده سیاسی دولت می کاهد. البته نباید فراموش کرد که وجود یا فقدان نهادها یا سازمان های فراملی و فرامنطقه ای که توان شکستن مرزها را داشته باشند، وجود یا فقدان گروهایی دینی و مذهبی صلح گرا یا تندرو که هر کدام بیان نانوخته مشخصی از خود ارائه می دهند و همچنین انتخاب رویکردهای سیاسی یا امنیتی از سوی دولت ها با هدف ایجاد رابطه مسالمت آمیز یا دخالت در امور دیگران تاثیر زیادی در کم یا زیاد شدن فاصله بین ملت ها و دولت های همسایه دارد.

ایران و میل به منطقه گرابی

محدوده جغرافیایی که ایران در آن قرار گرفته است بسیار پر اهمیت است. بنابراین خواسته و ناخواسته این کشور را در متن بازی های نظام بین الملل قرار می دهد. ایران با قرار گرفتن در منطقه جغرافیایی خلیج فارس، خاورمیانه، شبه قاره و اوراسیا حکم چهارراهی را دارد که از هر طرف می تواند تبدیل به پل ارتباطی باشد. این جغرافیا خودآگاه و ناخودآگاه میل سیاست مردان را به سمت منطقه گرایی افزایش می دهد. از این رو همواره به این سیاست تمایل نشان داده است. از سویی دیگر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان یک جغرافیای نوظهور که کشورهايش تازه به استقلال رسیده اند محیط بسیار بکر و تازه ای برای ایجاد رابطه و رد و بدل کردن منابع و منافع ملی دارند. مسئله دیگر این است که پنج کشور حوزه آسیای مرکزی (قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قرقیزستان) و سه کشور حوزه قفقاز جنوبی (گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) به خاطر همسایه بودن و همچنین داشتن اشتراکات تاریخی و فرهنگی با ایران زمینه های مناسبی برای تقویت روابط دارند.

در حال حاضر دولتمردان جمهوری اسلامی ایران نیز تمایل زیادی برای ایجاد ارتباط قوی تر در این منطقه نشان می دهند. اگر چه این تمایل از ابتدای استقلال کشورهای مذکور پس از فروپاشی شوروی سابق ابراز شده اما عملکردهای چند سال گذشته نشان می دهد که دیپلماسی دستگاه سیاست خارجی ایران خیز بلند تری در این زمینه برداشته است. جدای از مسائل سیاسی (پیشنهاد میانجیگری در مناقشه قره باغ)، اقتصادی (ساخت زیربنای اقتصادی در آسیای مرکزی و ...)، فرهنگی (ارتباط گیری با مسلمانان بخصوص شیعیان منطقه)، تلاش برای برداشتن و نرم کردن مرزها و تسهیل در رفت و آمد شهروندان به کشورهای همسایه می تواند تاثیر بسیاری در شناخت ملت ها از یکدیگر و افزایش اعتماد برای همکاری بیشتری داشته باشد. اما مسئله این است که برای این کار نه تنها محیط بین المللی و منطقه ای باید مهیا باشد بلکه دو کشور نیز باید به توافق اولیه برسند. یعنی هر کشوری با برآورد سود و زیان خود به چنین اقدامی دست می زند.

لغو روادید با همسایگان شمالی

در حال حاضر وزارت امور خارجه ایران پیشنهاد حذف روادید با بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را داده است. اما تا به حال موفق نشده به این امر دست پیدا کند. ایران در میان کشورهای قفقاز با آذربایجان به شکل یکطرفه روادید را حذف کرده است. بر اساس این تصمیم از روز 12 بهمن 1388 (اول فوریه 2009) همزمان با آغاز سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اجرای لغو روادید برای سفر اتباع جمهوری آذربایجان به ایران آغاز شد. بر این اساس اتباع جمهوری آذربایجان می توانند بدون دریافت ویزا از اول فوریه به مدت 15 روز به ایران سفر کنند و در صورت تمایل به اقامت بیشتر می توانند با مراجعه به اداره پلیس مهاجرت و اتباع خارجی نیروی انتظامی ایران تا سه ماه مدت اقامت خود را تمدید کنند.(1)

البته وزیران امور خارجه ایران و جمهوری آذربایجان در سال 1993 برای لغو روادید توافق کرده بودند اما باکو از این اقدام خودداری کرد.(2) هم اکنون نیز با توجه اینکه ایران روادید را برای شهروندان آذربایجانی لغو کرده دولت آذربایجان از این کار خودداری کرده است. باکو در این زمین گفت که مسئله لغو روادید با ایران، از سوی آذربایجان بررسی می شود، اما این مسئله نیاز به تکمیل شدن و هماهنگی با ساختارها و سازمان های مختلف دولتی دارد. پس از ارزیابی از مسئله، بر اساس منافع ملی کشور تصمیم گرفته خواهد شد.(3)

لغو روادید بین ایران و گرجستان به تصویب مسئولان دو کشور رسیده و به گفته رامین مهمان پرست، سخنگوی وزارت خارجه ایران روادید سفر به گرجستان و ایران لغو خواهد شد و مراحل اداری آن نیز شهریور ماه نهایی خواهد شد (4) که باید منتظر انجام شدن یا نشدن آن ماند که ایا دولت گرجستان که با وجود میخائیل ساکاشویلی به عنوان رئیس جمهور فعلا وابسته غرب است آیا حاضر است سفر شهروندان ایرانی را به این کشور لغو کند. در این میان دولت ارمنستان با توجه به پیشنهاد تهران برای لغو روادید بین دو کشور از این مسئله استقبال نکرده است.

در بین کشورهای آسیای مرکزی نیز همین قصه ادامه دارد. تاجیکستان همانند ارمنستان پیشنهاد تهران را رد کرده است. البته با تسهیل صدور ویزا برای بازرگانان و دانشجویان ایرانی موافقت کرده است. بر اساس توافق حاصل شده اکنون تاجران ایرانی که تا نیم میلیون دلار در تاجیکستان سرمایه گذاری کنند، ویزای یک ساله دریافت خواهند کرد. ایرانی هایی که با بیش از نیم میلیون دلار سرمایه به تاجیکستان می آیند، حق اقامت سه ساله در این کشور را کسب خواهند کرد. برای دانشجویان ایرانی هم ویزای اقامت یک ساله داده می شود.(5)

روادید بین ایران و ترکمنستان نیز هنوز لغو نشده اگر چه تهران تمایل نشان داده است اما عشق آباد هنوز به این مسئله پاسخ مثبت نشان نداده است. قزاقستان نیز دارای چنین شرایطی است که با وجود تمایل ما واکنش نشان نداده است. با ازبکستان و قرقیزستان نیز هنوز در شرایط پیشین قرار داریم. حذف نشدن روادید ایران با اکثر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نشان می دهد ما هنوز نتوانسته ایم گام های موثری برای مهیا کردن شرایط ایجاد منطقه گرایی برداریم البته نباید فراموش کرد که تاثیر سیاست های بسته چند

دهه ای نظام کمونیستی باعث شده که میزان اعتماد دولت و ملت های منطقه به دیگران بسیار کم باشد. مسئله دیگر که نباید فراموش شود این است که ثبات و توسعه از جمله مقوله های بسیار مهمی هستند که نقش زیادی در شکل گیری منطقه گرایی و همگرایی دارند که در حال حاضر هیچ يك از این کشورها از آن برخوردار نیستند. تحولات و تاثیرات بین المللی در این محیط، تنش ها و چالش های منطقه ای و مشکلات ملی که کشورهای نامبرده با آن درگیر هستند راه را برای حذف روادید، نرم کردن مرزهای جغرافیایی و همچنین مهیا کردن شرایط منطقه گرایی می بندد. تمایل پیدا و پنهان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آمریکا و غرب و دشمنی سی ساله تهران با واشنگتن که سیاست همه چیز در منطقه بدون ایران را در پیش گرفته است امیدها را کمرنگ کرده است.

نتیجه

نرم شدن و حتی برداشتن مرزهای جغرافیایی از جمله مسائلی است که پس از فروپاشی شوروی سابق در بسیاری از مناطق جهان مورد استقبال قرار گرفته است. این کار که از اتحادیه اروپا شروع شد امروز در بسیاری از مناطق جهان به آزمایش گذاشته شده است. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز از جمله مناطقی است که به دلیل دارا بودن منابع اقتصادی و منافع سیاسی مورد توجه بسیاری از بازیگران منطقه ای و بین المللی قرار گرفته است. این امر از يك سو می تواند مثبت تلقی شود اما به دلیل ایجاد بی ثباتی آثار منفی به جا خواهد گذاشت اجازه راه اندازی ساخت منطقه ای را از آن می گیرد. کشورهای منطقه هم به دلیل آثار روانی به جا مانده از دوران شوروی سابق و هم به خاطر دشمنی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در طول 31 سال گذشته باعث شده که تهران نتواند آنگونه که به شکل بالقوه مهیا است سیاست نزدیک شدن به کشورهای منطقه را حتی در برداشتن روادید و تسهیل عبور و مرور شهروندان به کشورهای یکدیگر، بالفعل کند.

پایان پیام.